



مرای مولای است که اشیا مفیای فقد صفت یک  
 دعوی آبی عجز او حفره فقد ضافت عبا ابواب  
 المعجز و صحیح فارسی دی سبارست و صابو بعض  
 از آنها بعد ازین مکرور شود است الدعا  
 سجده اسلام گفت قدس سره که دین مشایخ  
 نسبت است این طایفه را پیشین تر است که از  
 که گویند فلان پیر آمده و ما فلان حج صحبت کرد  
 و گفت قدس سره که دین مشایخ را عنایت نام  
 گرفت که دین پیران اگر از دست بشود آنرا  
 در نتوان رفت آن همیشه بود عرفات همیشه بود  
 دین را ایشان بود فایب آنرا تا اگر نبود در نتوان  
 یافت شیخ الاسلام گفت دلیل ادعا ما روزه که  
 من در طریقه و علم و شرع بسیار اند اما پیران  
 کار معنی در تصوف و صحبت سجده و کس خرقا  
 است ریحی ادعا مانند نام وی علی ریحی کما  
 و عدت روز کار خود و قبله رفت که در روز کار  
 رحلت بوی بود و سجده الواعظ قضای و پس  
 گفته بود که این بازار را ما حرقان افتد بعد از

سجده اسلام  
 در طریقه  
 در صحبت

سجده اسلام گفت قدس سره که دین مشایخ  
 که بوزیر نورانی را دیده بود صیاد گوید که در نور خان  
 فرار بجای عظیم سید و طلب سار که تا او را نماند  
 و بوزیر ضاوت که امانت ظالم بود سجده اسلام  
 که نامشور سوخته پیری بود در قندهار وقتی که  
 فراسوختن داد از تبر او بعضی وقت او را سوخته  
 نام کردند فردی صادق بود با صلابت سجده اسلام  
 گفت ریحی ادعیه که من با عصب کوری را دیده ام برای  
 روشن بود و بیوسه جوی داشت در دست و  
 روستی بر همان راسته و مرا گفتند که این را  
 گفت این هم فتحی است سجده اسلام گفت من مع  
 کسریه ام قوی تر در طریقه ملامت و تمام تر از  
 احدی و جشتیان هم جهان بودند از طوق  
 ما که در باطن سادات همان سربار بسیار زلفه  
 بود و باز گفته که از روزه جز آن اجازت نمی تواند بود  
 هم احوال ایشان با اظهاری و در آنجا که  
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که

سجده اسلام  
 در طریقه  
 در صحبت